

Criteria of ecoterrorism in protecting the common heritage of humanity with emphasis on international documents

Abstract

The issue of the environment, as a common heritage of humanity, has international dimensions in the current world and it deserves to be considered as one of the crucial international issues and predicted the mechanisms to deal with environmental terrorists in international agreements and or established the International Court of Environment. In this research, according to the existing legal regulations and rules regarding the crime of environmental terrorism in international law, we will analyze, examine and compile the criteria of ecoterrorism in the international environmental law to protect the common heritage of humanity. Destruction of the environment or its threat can be called "terrorism" if: a) the act or threat violates national or international laws governing the disturbance of the environment in peacetime or wartime; and b) the act or threat has the essential characteristics of terrorism. That is, the act or threat of violence has specific goals and violence is a symbolic goal. An act of environmental destruction can only be called "environmental terrorism" when the latter two criteria are met, and when the environment is used by the perpetrator as a valid symbol that causes fear in the larger population to the environmental consequences of the act.

Keywords: Environment, Ecoterrorism, Severe destruction, Environmental terrorism

معیارهای اکوتروریسم در حفاظت از میراث مشترک بشریت با تاکید بر اسناد بین‌المللی

نازنین بازغی^۱

عباس پورهاشمی*^۲

داوود هرمیداس باوند^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

چکیده

مسئله محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت، در دنیای کنونی دارای ابعاد بین‌المللی بوده و شایسته است که به عنوان یکی از مسائل پراهمیت بین‌المللی در نظر گرفته شود و نسبت به پیش‌بینی سازوکارهای مقابله با تروریسم محیط زیست در توافقنامه‌های بین‌المللی و یا تاسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست اقدام گردد. در این پژوهش با توجه به مقررات و قواعد حقوقی موجود در خصوص جرم تروریسم زیست محیطی در حقوق بین‌الملل، به تحلیل، بررسی و تدوین معیارهای اکوتروریسم در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست به منظور حفاظت از میراث مشترک بشریت می‌پردازیم. تخریب محیط زیست یا تهدید آن را می‌توان «تروریسم» نامید که: الف) عمل یا تهدید، قوانین ملی و یا بین‌المللی حاکم بر اخلاق در محیط زیست در زمان صلح یا زمان جنگ را نقض کند؛ و ب) عمل یا تهدید ویژگی‌های اساسی تروریسم را داشته باشد. یعنی عمل یا تهدید به خشونت، دارای اهداف خاصی است و خشونت هدفی نمادین است. یک عمل تخریب محیط زیست را تنها زمانی می‌توان «تروریسم زیست محیطی» نامید که دو معیار اخیر رعایت شود، و زمانی که محیط زیست توسط مرتکب به‌عنوان نماد معتبری استفاده شود که باعث ایجاد ترس در جمعیت بزرگ‌تر نسبت به پیامدهای زیست محیطی این عمل شود.

کلمات کلیدی: محیط زیست، اکوتروریسم، تخریب شدید، تروریسم زیست محیطی

^۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲. استادیار گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران - رییس موسسه تخصصی حقوق بین‌الملل کانادا، تورنتو، کانادا (نویسنده مسئول)

^۳. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، هیأت و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

امروزه یکی از مشکلات بشر، فاجعه برهم خوردن تعادل زیست محیطی است که نه تنها آرامش و امنیت زندگی او را برهم زده بلکه موجودیت او را هم در معرض تهدید و خطر قرار داده است. مشکل آلودگی محیط زیست تنها به یک کشور و یک قلمرو محدود نمی شود. آلودگی هوا، آب، خاک، از بین رفتن گونه های گیاهی و جانوری، آزمایش های هسته ای ... همه این ها آلودگی های مختلفی هستند که به کل جهان مربوط می شود و همه را تحت تاثیر قرار می دهد. تمامی این موارد ناشی از رفتار و عملکرد خود انسان است به گونه ای که بعد از انقلاب صنعتی و افزایش جمعیت، تخریب و نابودی محیط زیست، شدت گرفت و رفته رفته با پیشرفت علم و فناوری، ابزارهای زیادی در اختیار بشر قرار داد تا طبیعت را مطیع خویش کرده و موجبات نابودی آن را فراهم نماید.

لذا به منظور حفظ و حراست از محیط زیست، قواعد و مقرراتی شکل گرفت و از رهگذر کنفرانس ها و سازمان های بین المللی تکامل پیدا کرد. در این قواعد جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست مورد تاکید قرار گرفت و معیارهای جهانی مشترکی وضع گردید. با این حال به دلیل اهمیت مسئله محیط زیست و گسترش مفهوم نسل سوم حقوق بشر، این موضوع وارد مرحله ای تازه شده و بین حقوق بشر و محیط زیست رابطه و پیوندی اساسی برقرار شد. در ماده یک اعلامیه استکهلم سال ۱۹۷۲، آمده است: «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل های حاضر و آینده را بر عهده دارد». لذا این تاریخ به بعد حق بر محیط زیست به طور مستمر در اسناد بین المللی مورد تایید و تاکید قرار گرفت. پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی ۱۹۸۲ دارا بودن حق بر محیط زیست را یکی از اشکال حرمت و حیثیت انسانی تلقی کرده که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل های آینده است. بر اساس ماده ۱۵ این پیش طرح، دولت های عضو متعهد می گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کند.

با این وجود فعالیت ها علیه محیط زیست، اشکال گوناگونی دارد که یکی از این موارد، تروریسم محیطی است که به دلیل تاثیرات عمیقی که بر محیط زیست می گذارد، باعث می شود که عواقب آن تا مدت های زیادی در محیط زیست و منابع طبیعی باقی بماند، چرا که با ایجاد لطمات جبران ناپذیر، ضمن آسیب بر محیط زیست، حیات بشری را تحت تاثیر قرار می دهد. این نوع از تروریسم و جرم انگاری آن و مقابله با آن در سطح بین المللی از جمله اهداف سازمان های حقوق بشری است و تاکنون اقدامات زیادی در همین راستا صورت گرفته است. این دستاوردها هر چند به لحاظ اجرایی هنوز به طور کامل استقرار نیافته اند، اما نباید اهمیت آن ها ناچیز جلوه داده شود چرا که به بهایی گزاف به دست آمده اند. ارتباط بین حقوق بشر و محیط زیست بر کسی پوشیده نیست زیرا حق بر محیط زیست به مثابه پیش نیازی برای دیگر حقوق بشر است چرا که برای بهره مند شدن انسان ها از این حقوق، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردار باشند.

علی رغم اهمیت این حق و علی رغم آن که تلاش های زیادی در زمینه حفاظت و حمایت از محیط زیست صورت گرفته است اما همواره جرایم علیه محیط زیست همچنان ادامه دارد که بدون تردید یکی از مهم ترین دلایل آن، فقدان حمایت کیفی از محیط زیست در عرصه بین المللی است بنحوی که آلوده کردن و زیان زدن و تخریب محیط زیست در سطح بین المللی جرم محسوب نمی شود. لذا بر همین اساس در تحقیق حاضر به دنبال بررسی معیارهای اکوتوروریسم در عرصه بین المللی در حمایت از محیط زیست می پردازیم تا به این سوال پاسخ دهیم که آیا می توان به منظور حفظ و حراست از محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت و یکی از مصادیق اساسی حقوق بشر، قوانین و مقرراتی تصویب نمود که به جرم انگاری علیه تروریست محیط زیست پردازد؟ لذا در این مقاله ضمن بررسی حق بر محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت، معیارهای اکوتوروریسم در حقوق بین الملل محیط زیست را تبیین می کنیم و به تجزیه و تحلیل امکان جرم انگاری اکوتوروریسم می پردازیم.

۲. ادبیات نظری موضوع

۲-۱ میراث مشترک بشریت

بحث «میراث مشترک بشریت»^۴ از آنجا پیدا شد که در ۱۷ اوت ۱۹۶۷ دکتر آروید پادو» رئیس هیات نمایندگی دائمی مالت در سازمان ملل، از مجمع عمومی خواست تا مسئله ماهیت حقوقی بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس ها در ماواری حوزه صلاحیت دول ساحلی در دستور کار اجلاس ۲۲ منظور شود. در ضمن پیشنهاد کرد که این مناطق میراث مشترک بشریت اعلام شوند و به استفاده صلح جویانه و به نفع بشریت اختصاص یابند(مقتدر، ۱۳۹۲، ۲۰۰). با توجه به اهمیت مسئله، مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ای تشکیل کمیته ای به نام «کمیته دایمی استفاده های صلح آمیز بستر دریا و کف اقیانوس ها در ماواری محدوده ی صلاحیت ملی»^۵ را تصویب کرد. کمیته مزبور پس از سه سال گزارش خود را به مجمع عمومی تسلیم کرد و مجمع نیز بر اساس این گزارش «اعلامیه اصول حاکم بر بستر دریاها و کف اقیانوس و زیر بستر خارج از محدوده ی صلاحیت ملی و همچنین منابع آن، میراث مشترک بشریت هستند که باید به سود کل بشریت مورد استفاده قرار گیرد و نمی تواند تحت تملک یا حاکمیت هیچ دولتی درآید و کلیه فعالیت های معدنی در آن باید تحت اداره یک نظام بین المللی که در آینده تاسیس خواهد شد، قرار گیرد. لذا بر اساس این قطعنامه میراث مشترک بشریت به عنوان یکی از قواعد معیارهای پذیرفته شده ی حقوق بین الملل دریاها مورد توافق قرار گرفت.(محمدی، ۱۳۷۰، ۲۴۴). بعد از قطعنامه ۱۹۷۰ مجمع عمومی در مورد میراث مشترک بشریت، سومین کنفرانس حقوق دریاها از سال ۱۹۷۴ آغاز به کار کرد و پس از هشت سال کار در سال ۱۹۸۲ موفق به تدوین کنوانسیون جدید حقوق

^۴ . Common Heritage of Mankind

^۵ . Permanent Committee on the Peaceful Uses of the Sea –bed and Ocean Floor beyond the Limits of National Jurisdiction

بین الملل دریاها در ۳۲۰ ماده شد. مواد ۱۳۳ تا ۱۹۱ بخش یازدهم این کنوانسیون به تبیین نظام حقوقی ناحیه بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس ها در ماواری محدوده ی صلاحیت ملی دولت ها و منابع آن به عنوان میراث مشترک بشریت اختصاص دارد که زیر نظر «مقام بین المللی بستر دریا»^۶ اداره می شود. در ماده ۱۳۶ کنوانسیون آمده است: «ناحیه و منابع آن میراث مشترک بشریت هستند».

بشریت امروز دریافته است که همه انسان ها، سرنوشت مشترک دارند و این سرنوشت که همان آینده بشریت است، در حال حاضر دچار بحران شده است و این یگانگی در عصر همگرایی جهانی به معنای آن است که همه انسان ها، زندگی، مرگ و سرنوشت مشترک دارند. (نیکخواه، ۱۳۷۶، ۵۲). ویژگی نسل سوم حقوق بشر آن است که این حقوق هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت هستند و مهم تر آن که مبتنی بر «همکاری» و «اقدامات دسته جمعی» همه اعم از دولت ها، افراد و اشخاص حقوقی است یعنی بدون همکاری، همیاری و تلاش همگان این حقوق محقق نخواهد شد و به قول «کارل واساک» ویژگی حقوق نسل سوم است که هم می تواند علیه دولت ها باشد و هم می تواند مورد حمایت دولت ها قرار بگیرد. (مسائلی، ۱۳۷۱، ۱۷۰). حق بر محیط زیست، پیش نیازی است برای دیگر حقوق بشر چرا که برای بهره مند شدن انسان ها از این حقوق، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردارند. بدین ترتیب، حق برخورداری از محیط زیست سالم را می توان در بنیادی ترین حق شناخته شده برای بشر یافت، یعنی حق حیات به عبارت دیگر، آنچه که زمینه ساز بهره مندی از دیگر حقوق است، حق بر محیط زیست سالم است.

۲-۱-۱ حق بر محیط زیست به عنوان میراث مشترک بشریت

با مطرح شدن مسائل مربوط به حقوق بشر که با انتشار اعلامیه های جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق بین المللی ۱۹۶۶ جایگاهی رفیع در نظام بین المللی به خود اختصاص داد- مساله محیط زیست نیز وارد مرحله ای تازه های شد تا این که در سال ۱۹۷۲ در اعلامیه استکهلم بین حقوق بشر و محیط زیست، رابطه و پیوندی اساسی برقرار گردید. هر چند تاثیر انسان بر محیط زیست پیرامون خود، عمری به قدمت حیات او دارد، اما تخریب و نابودی آن، به دنبال انقلاب صنعتی و افزایش سریع جمعیت به گونه ای خطرناک شدت یافت و پیشرفت علم و فن آوری انسان را قادر ساخت تا طبیعت را مقهور خویش ساخته و موجب انهدام تدریجی اما مستمر محیط زیست گردد. در ماده یک اعلامیه مزبور آمده است: «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل های حاضر و آینده را بر عهده دارد». رویکرد بین المللی در سه دهه اخیر حمایت از محیط زیست را پیش شرط تحقق سایر حقوق به ویژه حق بر حیات می داند. کلاس تاپفر، دبیر اجرایی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، این موضوع را در بیانیه ۵۷ نشست در کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۱ ارائه داده است: «حقوق بشر و به ویژه حق حیات در یک محیط آلوده تضمین نمی شود. حق اساسی و بنیادی حیات با نابودی منابع طبیعی، جنگل زدایی، قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی سمی، آب

^۶ . International Sea- Bed Authority

آشامیدنی آلوده و ... آسیب می بیند». مجمع عمومی نیز بر همین اساس، حفظ طبیعت و محیط زیست را شرطی اساسی برای زندگی عادی انسان دانسته است. (حبیب نژاد و دانش ناری، ۱۴۰۰، ۳۲۷).

بی شک، اهمیت حق بر محیط زیست که محل تلاقی دو موضوع مهم و مورد بحث محافل علمی، سیاسی و حقوقی جهان، یعنی حقوق بشر و محیط زیست است، بر کسی پوشیده نیست، زیرا حق بر محیط زیست به مثابه پیش نیازی برای دیگر حقوق بشر است، چرا که برای بهره مند شدن انسان ها از این حقوق، فرض بر این است که آنان از حداقل سلامتی و تندرستی برخوردار باشند. بدین ترتیب حق برخورداری از محیط زیست سالم را می توان در بنیادی ترین حق شناخته شده در منشور ملل متحد، یعنی حق حیات یافت. (فیروزی، ۱۳۸۴، ۱۱). تحول و توسعه در مفهوم حقوق بین الملل و توسعه میدان عمل آن و در نتیجه پیدایش مفاهیمی چون حقوق بشر باعث شد که قواعد حقوق بین الملل مبتنی بر منافع بلافاصله و مستقیم دولت ها به قواعد حاکم بر منافع جامعه بین المللی و منافع مشترک بشریت توسعه یابد، لذا دل مشغولی های مربوط به حمایت از حقوق بشر موجب گسترش این دسته از قواعد شده است. به عبارت دیگر، یکی از ویژگی های مهم حقوق بین الملل کلاسیک، تنظیم روابط بین تابعان آن دولت ها، بر اساس اصل عمل متقابل یا تعادل بین امتیازات مکتسبه و الزامات بر عهده گرفته شده است. پس از دو جنگ جهانی اول و دوم، حمایت از حقوق بشر موجب گسترش قواعدی در حقوق بین الملل شد که مستثنی از اصل «عمل متقابل» و مبتنی بر منافع بلاواسطه و مستقیم دولتی که تعهد بین المللی را بر عهده می گیرد، نمی باشد. سپس با طرح مسایل جدید از جمله بهره برداری از فضای ماوراء جو و میراث مشترک بشریت و محیط زیست، اهمیت این قواعد در نظام بین المللی افزایش چشمگیری یافت. (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۲، ۸). از سوی دیگر، قواعد مربوط به حقوق بین الملل محیط زیست به آن دسته از قواعد که هدف آن ها منافع مشترک بشریت است تعلق دارند، پس اگر محیط زیست را مبتنی بر منفعت و علایق مشترک بشریت بدانیم، باید گفت که این منفعت در حقوق شناخته شده برای افراد نیز منعکس است و نیز رعایت جهانی حقوق و آزادی های بنیادین افراد جزئی از علایق و منافع مشترک بشریت خواهد بود. (امیر ارجمند، ۱۳۷۴، ۳۴۴). همانطور که بستر دریاها و اقیانوس ها، قاره جنوبگان و منابع موجود در ماورای جو متعلق به نسل حاضر و آینده است و باید طوری از آن بهره برداری شود که حیات نسل حاضر و آینده به خطر نیافتد، استفاده از محیط زیست هم باید اینگونه باشد، زیرا آلوده کردن، تخریب و نابودی محیط زیست هم تهدید کننده حیات نسل حاضر و نسل های آینده خواهد بود. ملکم شاو معتقد است که ماوریا جو، منطقه ای است از محیط زیست که میراث مشترک بشریت است (شاو، ملکم، پیشین: ۴۷۳). البته این امر فقط اختصاص به ماورای جو و کره ماه ندارد بلکه بستر دریاها و قاره جنوبگان و آب و هوای کره زمین نیز همین حکم را دارند، زیرا در تمامی معاهداتی که در مورد بستر دریاها، فضای ماورای جو و قاره جنوبگان منعقد شده است بر استفاده صلح آمیز از آن ها، منع آزمایش های اتمی و انباشت مواد خطرناک در این مناطق تاکید شده است به طوری که دغدغه اولیه بانیان این اسناد حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست این مناطق بوده است. بنابراین هر یک از عناصر محیط زیست و میراث مشترک بشریت پیوندی ناگسستنی با هم دارند به طوری

که مفهوم میراث مشترک بشریت در کنوانسیون‌های متعددی در زمینه محیط زیست تکرار شده است. (دلماست، مارتی، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

اسناد فراوانی در موضوع محیط زیست به تصویب رسیده است که این اسناد را می‌توان در دو دسته اسناد الزام آور و اسناد غیرالزام آور طبقه بندی کرد. اسنادی که بیان کننده حق بر محیط زیست سالم هستند همچون اعلامیه استکهلم، پیش نویس طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی، منشور جهانی طبیعت، اعلامیه ریو و ... اگر چه اسنادی هستند که از اهمیت بسیاری برخوردار هستند، اما الزام آور نیستند (امیر ارجمند، اردشیر، پیشین، ۳۴۸) که این خلا با تصویب دو سند منطقه ای الزام آور تا حدودی رفع شده است. اولین سند، سند «منشور آفریقایی حقوق بشر» مصوب ۱۹۸۱ است. ماده ۲۴ این منشور اعلام می‌دارد: «کلیه اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش و جامع، مناسب برای توسعه خود برخوردار باشند». دومین سند، «پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مصوب ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸ در سان سالوادور است که حاوی اصلی در زمینه حق بر محیط زیست است. در ماده ۱۱ این پروتکل، تحت عنوان «حق بر محیط زیست سالم» آمده است: «هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی بهره مند گردد. دولت های عضو متعهد می‌شوند که حراست، حفاظت و بهبود محیط زیست را ترویج نمایند». (افتخار جهرمی، گودرز، ۱۳۸۲، ۲). با این حال آنچه در شرایط حاضر «حق بر محیط زیست» برای توسعه بیشتر حقوق بین الملل نیاز دارد، تایید قواعد مربوط به آن در یک سند الزام آور جهانی می‌باشد.

۲-۲- معیارهای اکوتروریسم در حقوق بین الملل محیط زیست

تخریب محیط زیست یا تهدید آن را می‌توان «تروریسم» نامید که: (۱) عمل یا تهدید، قوانین ملی و یا بین المللی حاکم بر اخلال در محیط زیست در زمان صلح یا زمان جنگ را نقض کند. و (۲) عمل یا تهدید ویژگی‌های اساسی تروریسم را داشته باشد. یعنی عمل یا تهدید به خشونت، دارای اهداف خاصی است و خشونت هدفی نمادین است. یک عمل تخریب محیط زیست را تنها زمانی می‌توان «تروریسم زیست محیطی» نامید که دو معیار اخیر رعایت شود، و زمانی که محیط زیست توسط مرتکب به عنوان نماد معتبری استفاده شود که باعث ایجاد ترس در جمعیت بزرگ تر نسبت به پیامدهای زیست محیطی این عمل شود. (Schwartz, ۱۹۹۸, ۴۸۳).

۲-۲-۱ تخریب محیط زیست

اینکه تخریب علیه اموال کاملاً مجرم محسوب می‌شود بحثی در آن نیست، لیکن چنانچه این تخریب با هدف حمایت از محیط زیست باشد، قالب بندی آن تحت عنوان جرمی خاص به ویژه تروریسم دشوار است. البته این تنها مساله نیست، بلکه خود مبارزه با اکوتروریسم نیز قابل بحث است، زیرا خود اکوتروریسم با هدف حمایت از محیط زیست است لیکن به نظر می‌رسد این شیوه چندان به مذاق خوش نمی‌آید، با وجود این چون با هدف حمایت از محیط زیست می‌توان از شیوه های دیگر استفاده کرد، در عین حال شیوه اکوتروریست را نیز رد کرد. پرسش اساسی آن است که آیا تخریب و خرابکاری (یعنی خشونت علیه اشیای بی جان و نه افراد) یک نمونه واقعی از تروریسم است؟

تخریب عمدی از اموال، نقض حقوق قلمداد می شود (صرف نظر از اینکه یک اقدام تروریستی باشد یا خیر)، بدون در نظر گرفتن اینکه شخص متعهد به داشتن یک سوء نیت ساده باشد یا فعلی که تعهدش را نسبت به پایداری محیط زیست نشان بدهد. بنابراین دست کم می بایستی به عنوان هسته اولیه تخریب محیط زیست نگاه کرد. دفاع از تخریب به حمایت از محیط زیست تا کنون فقط جدی بودن نسبی آن را در مقایسه با اقداماتی که افراد را هدف قرار می دهد (و به همین ترتیب آن ها را تروریست می کند) در نظر گرفته است و پیوند زیست محیطی را با تروریسم به وجود آورده است که البته منجر به ایجاد یک سوء برداشت از مفهوم خاص تروریسم شده است. البته برخی اعتقاد دارند که می بایستی تخریب بخاطر محیط زیست را باید در دسته بندی خود، از تروریسم جدا کرد البته در برخی موارد اگر تخریب محیط زیست را به عنوان تروریسم قلمداد شد می توان آن را توجیه کرد (vanderheiden, ۲۰۰۵, ۴۳۳).

در مقایسه با نافرمانی مدنی، تخریب، به وضوح تاکتیکی جدی و اعتراض آمیز است؛ با توجه به تاثیر منفی و گالوانیده شدن آن بر افکار عمومی، گرایش های بالاتری نسبت به اختلال و وفاداری به قانون، و خطرات سوء استفاده و پیامدهای ناخواسته آن دارد. به همین دلیل، در مواردی که نافرمانی مدنی نیز موجود بود، هرگز نمیتواند قابل دفاع باشد. البته مواردی نیز هست که در آن ممکن است تخریب به عنوان یک موضوع سیاسی قلمداد شود مشروط بر این که توسط ملاحظات اخلاقی مناسب، محدود شده باشد. ممکن است بیشتر به این فکر کنیم که اگر شرایط تا کنون توسط به تخریب برای حفاظت زیست زیستی را توجیه کرده باشد، کاربرد آن، مانند نافرمانی مدنی، می تواند به یک وظیفه اخلاقی مبنی بر تعهد برای اصلاح بی عدالتی تبدیل شود (vanderheiden, ۲۰۰۵, ۴۳۲).

اصطلاح "تخریب زیست محیطی" اشاره به تاکتیک های غیر قانونی گروه های زیست محیطی رادیکال است که هدف از ایجاد آنها آسیب هدفمند اقتصادی، بر افراد و شرکت هایی که به عنوان آسیب زنده جدی زیست محیطی محسوب می شوند، می باشد. به پیروی از آن چیزی که میشل مارتین^۷ گفته است زیست زیستی می تواند به عنوان اعمال غیرقانونی و غیرنظامی تعریف شده باشد که با حس نگرانی مذهبی یا اخلاقی^۸ که «با هدف متوقف کردن، یا تحمیل بعضی از فرآیندها یا فعالیت هایی است که به نظر می رسد که برای محیط زیست مضر هستند»، بر خلاف نافرمانی مدنی، جایی که اعمال عمدتاً در عموم انجام می شود و معترضان مایل به قبول مجازات اشکال اعتراضی غیرقانونی خود هستند، اما اکوتروریسم معمولاً به صورت مخفی انجام می شود و افرادی که مسئول این اعمال هستند، برای جلوگیری از عواقب قانونی این کار را می کنند، گرچه بعدها گروه های مسئول چنین اعمالی می توانند ادعا کنند به امید به تأثیرگذاری بر افکار عمومی اینکار را کرده اند (long, ۲۰۰۴, ۳۳).

^۷ . Michael Martin's

آرنولد اولین کسی بود که در مجله ریزن^۸ در سال ۱۹۸۳ از عبارت اکوتروریسم استفاده کرد. او بعداً کتابی تحت عنوان *Ecoterror: The Violent Agenda to Save Nature* نوشت. او اکوتروریسم را جرم و جنایت مرتکب شده برای حفظ در طبیعت^۸ تعریف می‌کند (Arnold, ۲۰۰۸). تعریف معمول تروریسم «استفاده محاسبه شده از خشونت یا تهدید خشونت به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک... از طریق ارباب، اجبار یا ترساندن» است. تنها تهدید خشونت ممکن است تروریسم را تشکیل دهد، تا زمانی که تهدید به اندازه کافی قابل لمس باشد و به سمت اهداف عمومی هدایت شود نه اهداف شخصی. به این ترتیب، اگر خشونت بن مایه هم تروریسم سنتی باشد هم اکوتروریسم، آیا خشونت علیه اموال می‌تواند تحت عنوان اکوتروریسم محسوب شود یا خیر؟ اگر بخواهیم از نگاه بالاتری به قضیه نگاه کنیم، جرم تروریسم نه به آن چیزی است که بر روی آن اتفاق افتاده است، بلکه به روی آن چیزی است که بر رویش تاثیر بگذارد، به عبارت دیگر در جایی که قرار است انسان‌هایی از آن هراسناک بشوند، اینکه خشونت بر روی اموال رخ داده باشد یا اشخاص تفاوت بارزی نمی‌کند.

علاوه بر این، اقدامات تروریستی هم هدف اصلی آنهاست و شامل دو گروه می‌شود گروه اول (کسانی که خشونت آنها در واقع اعمال می‌شود) و گروه دوم (جمعیت بزرگتر که علیه آنها خشونت بیشتری تهدید می‌شود، تولید ترور مشخص) و نگرانی منحصر به فرد از نگرانی‌های تروریسم، هدف اولیه نیست بلکه هدف ثانویه است. البته اتفاقی که بین اکوتروریسم و تروریسم سنتی وجود دارد آن است که افراد مورد هدف در اکوتروریسم کاملاً هدفمند انتخاب می‌شوند که اموالشان مورد تخریب واقع شود، در حالی که در تروریسم سنتی قربانیان افراد بی‌گناهی هستند که ممکن است جمعیت خاصی باشند، اما افراد خاصی نیستند. چه بسا در خصوص جمعیت‌های نظامی، چنانکه به طور مشخص اقدامی علیه جانانشان صورت بگیرد را کمتر با مفهوم تروریسم یکی می‌دانند نمونه آن حمله کردن به گروه‌ها و ارتش استعمارگران است.

در خصوص اینکه اعمال طرفداران افراطی محیط زیست که دست به تخریب می‌زنند را می‌توانیم اکوتروریسم بدانیم یا خیر باید دید آیا می‌توان مفهوم خشونت را آنقدر گسترده کرد که شامل آسیب زدن به اموال نیز بشود یا خیر؟ به گونه‌ای که درست است افراد به عنوان قربانیان اولیه به حساب نمی‌آیند اما می‌توانند هدف ثانویه باشند. حقوق آمریکا در این خصوص گام‌هایی را برداشته است و در قانون پاتریوت مصوب ۲۰۰۱ آن را توسعه داده است به گونه‌ای که تروریسم را شامل خشونت علیه اشیاء بی‌جان و اموال دانسته است، لیکن تنها بخش دولتی آن مدنظر بوده است. این قانون افزودن یک لیست گسترده از جرایم تروریستی فدرال، از جمله "آتش سوزی در حوزه ویژه دریایی و صلح" و "تخریب خطوط ارتباطی، ایستگاه‌ها و یا سیستم‌های" اضافه شده است. اما شاید بیشترین گستردگی جنایات از ارتکاب جنایات عادی به وضعیت تروریسم (با مجازات‌های شدیدتر و مجازات مجرمان و حقوق متهمان متهم)، شامل هر نوع اقدامی است که از طریق تخریب یا نابودی و یا تلاش برای آسیب رساندن یا نابودی آتش سوزی یا انفجاری، هر سازه، وسیله نقلیه یا سایر ملک شخصی یا شخصی که در تجارت بین ایالتی یا خارجی یا در فعالیت‌هایی که بر تجارت بین ایالتی یا خارجی

^۸ . Reason

تأثیر می‌گذارد، استفاده می‌شود. این ضمیمه به قانون کیفری فدرال به طور خاص و عمده‌شامل بحث اکوتروریسم در انبار قانونی و لفظی "جنگ علیه تروریسم" می‌شود با جریمه سازی اقدامات خرابکارانه، در نتیجه به شدت محدود کردن آزادی های مدنی مشکوک خرابکارها و همکاران آنها دشمنانی باشند که در "جنگ علیه تروریسم" همه چیز مصرف کنند که هیچ مرز اصولی را نمی‌داند.

۲-۲-۲ انجام تخریب با هدف تحت تأثیر قرار داد افراد یا دولتها

امنیت برای هر دولت ملتی از قداستی خاص برخوردار است. چرا که تقریباً دست یابی به سایر اهداف ملی و بین‌المللی همانند توسعه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قدرت، اقتدار، ثبات، مشروعیت و... به نوعی وابسته و در گرو حصول امنیت ملی است. و در نقطه مقابل هر نوع اقدام و حرکتی که سبب مخدوش شدن این اهداف گردد بعنوان مخل امنیت ملی تلقی شده و سبب فاصله گرفتن مردم از حکومت، عدم تمکین نسبت به قانون، عدم مشارکت، تشمت و ناامنی در کشور، خواهد شد (ساعی و معصومی، ۱۳۹۰: ۳۸).

در واقع نباید تروریسم را یک رفتار بدون تفکر، بدون منطق و یا رفتاری نابهنجار اجتماعی دانست بلکه تروریسم را باید گونه‌ای استراتژی برای رسیدن به اهداف سیاسی خاص برشمرد، یک شیوه نظامی و مسلحانه با کنترل سیاسی و مدیریتی حسابگرانه که با استفاده از یک برنامه ریزی کاملاً دقیق به اقداماتی می‌پردازد که نهایتاً آنان را در رسیدن به اهدافشان یاری کند. بنابراین اولین گام در مبارزه با تروریسم شناخت استراتژی تروریسم است یعنی شناخت نحوه ارتباط اهداف و ابزار در پدیده‌های که تروریسم می‌نامیم چنانچه تحرکات تروریستی را با یک برنامه نظامی مثل جنگ مقایسه کنیم متوجه تشابه زیاد و اساسی این دو پدیده با یکدیگر می‌شویم. در واقع جنگ نیز مثل تروریسم یک اقدام هدف محور است، جنگ نیز استفاده از ابزارهای موجود برای رسیدن به یک هدف سیاسی است همانطور که کلاوس ویتز اشاره می‌کند «جنگ ادامه سیاست است با ابزار دیگر» (Clauswitz, ۱۹۸۴, ۷۵).

در نتیجه اگر جنگ را یک عمل سیاسی بدانیم، آنگاه تروریسم را نیز می‌توان یک اقدام سیاسی دانست که با اتخاذ استراتژی خاص قصد رسیدن به اهداف خود با استفاده از ابزارها و امکانات موجود را دارد. می‌توان گفت در حالت تئوریک تروریسم نیز یک شیوه جنگیدن است و تفاوتی با سایر شیوه‌های جنگی که برای رسیدن به اهداف سیاسی بکار می‌روند ندارد. اگر با این دید به تروریسم نگاه کرد آنگاه می‌توان پیش‌دوری‌های اخلاقی و ارزشی نسبت به آن را موقتاً به کناری نهاد و سپس با نگاهی واقع‌گرا، و با شناخت استراتژی، منابع و ابزارهای مورد استفاده، تروریسم، با استفاده از تاکتیک‌های مناسب، نابودی منابع و محدود سازی ابزارهای مورد استفاده تروریستها آن را از میان برداشت و یا با شکل‌گیری آن مبارزه کرد (ساعی و معصومی، ۱۳۹۰: ۴۲).

محیط زیست گرایان، اینکه زمین در یک الگوی ظالمانه و ستمگرانه، بارها و بارها مورد تجاوز و سوء استفاده بشر قرار گرفته است را مشاهده کردند. اگر ایدئولوژی‌هایی که جنبش زیست محیطی رادیکال را دربرمی‌گیرند گوناگون و گاه متضاد هستند، حقیقت این است که هسته مرکزی ایده‌هایی که در مفهوم اکولوژی عمیق به چشم می‌خورد، وجود دارد. اکوتروریست‌ها دارای یک هدف افراطی هستند، بر خلاف اکثر محققین محیط

زیست، که به دنبال حفاظت از محیط زیست برای تقویت سلامت و رفاه انسان هستند، اکولوژیست‌های عمیق می‌دانند که تمام طبیعت دارای ارزش ذاتی است (Liddick, ۲۰۰۶, ۱۹).

در تقسیم بندی‌هایی که از تروریسم و عناصر آن می‌شود به دست می‌آید که تروریسم دارای ویژگی‌های منحصراً فردی است، که در اعمال محیط زیست‌گرایان افراطی نیز مشاهده می‌شود، این عناصر به صورت یک مجموعه عمل می‌کنند:

- مهمترین ویژگی این اقدامات خشونت‌آمیز بودن ماهیت آن است. ایجاد خشونت به خودی خود هدف تروریست‌ها نیست آنها با استفاده از خشونت به عنوان ابزار، قصد تاثیرگذاری بر اهداف اصلی و استفاده از وحشت ایجاد پس از حادثه تروریستی را دارند و عموماً این خشونت در شدیدترین شکل خود بروز می‌یابد تا نهایت تاثیر خود را به جا بگذارد.
- قصد ایجاد ترس و وحشت شدید و جلب توجه گسترده به منظور بهره‌گیری از اثرات آن بر مخاطبان و اهداف اصلی
- هدف سیاسی، با انگیزه‌های ناشی از ایدئولوژی‌های قومی، مذهبی، نژادپرستانه و یا سیاسی؛
- قربانیانی که شخصاً اهداف اصلی تروریست‌ها نیستند اما به عنوان وسیله انتقال مفاهیم از میان جمعیتی خاص و متناسب با ایدئولوژی تروریست‌ها، اهداف اصلی خود و قربانیان انتخاب می‌شوند. این قربانیان غافلگیر می‌شوند یعنی گاه اساساً امکان مقابله با عملیات تروریستی را ندارند و گاه به علت ناگهانی و غیرمتعارف بودن حمله چنین امکانی از آنها گرفته می‌شود (Steinhofe, ۲۰۰۷, ۶۱)

اما اقدامات تخریبی که بن‌مایه اکوتروریسم است، در پس خود شاهد اهدافی هستند، این اقدامات با هدف توجه دولت و افرادی است که در طبیعت دخل و تصرف می‌کنند، این مساله هم مشخص است زیرا آنها ابزارها و اموالی که در راه تخریب طبیعت به کار می‌روند را هدف خشونت خویش قرار می‌دهند. این امر که هدفشان چیست را به وضوح می‌توان از اعلامیه‌هایی که این گروه‌ها منتشر می‌کنند دریافت. در فصول پیشین از آنها صحبت کردیم، بر اساس آن چه در این اعلامیه‌ها آمده بود، هدف آن بود که متجاوزین به طبیعت دست از این کار بردارند.

۲-۳ تدوین معیارهای اکوتروریسم در حقوق بین‌الملل محیط زیست

در عهد ما تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی تبدیل شده است و هراس آن وجود دارد که با گسترش آن، صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتد. در عصر جهانی شدن و فناوری پیشرفته، دیگر تروریسم در مرزهای ملی و منطقه‌ای محصور نمی‌ماند. تروریست‌ها همگام با روند جهانی شدن پیشرفت کرده‌اند، اما هرگز در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نشده‌اند. از این رو، هیچ منطقه دولت یا ملتی از اقدامات آن مصون نمی‌مانند. گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های گوناگون دست به عملیات تروریستی می‌زنند و نگرانی از احتمال وقوع این گونه عملیات زمانی بیشتر می‌شود که تروریست‌ها از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی استفاده کنند. (Robert, ۲۰۰۱, ۳).

هرچند این تهدیدات در حال حاضر به صورت بالفعل صلح و امنیت بین‌المللی را تخریب می‌نمایند، باید اذعان کرد سایبر تروریسم تهدید بالقوه‌ای علیه جامعه بین‌الملل بوده که روش نوین اقدامات تروریستی است نه نوع دیگر تروریسم. (Stark, ۱۹۹۹, ۹) چنانکه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ با صدور قطعنامه‌ای آن را مورد توجه قرار داد. همچنین نگرانی شدید جامعه جهانی از گسترش تروریسم و دستیابی تروریسم به تسلیحات هسته‌ای منجر شد که شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور قطعنامه ۱۵۴۰ را درخصوص عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ به تصویب رساند.

با وجود این دولت‌ها و سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم کنوانسیون‌های متعدد را به تصویب رسانده‌اند، اما حق این است که به موازات پیشرفت تروریست‌ها و تبدیل آن به بازیگران بین‌المللی و فعالیت در قالب سازمان‌ها و مجموعه‌های هماهنگ، جامعه بین‌الملل باید اقدامات ضدتروریستی موثر را توسعه دهد و تجلیات هرچند پیچیده تر و جهانی تهدیدات تروریستی را مورد توجه قرار دهند (قربان‌نیا؛ ۱۳۷۳؛ ۱۴۲).

به رغم آنکه شورای امنیت عمدتاً اعمال تروریسم را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌کند، اما این اعمال در طبقه جرایم بین‌المللی اصلی مثل نسل‌کشی، جرایم جنگی و جرایم ضد بشری قرار نمی‌گیرند. پس هیچ دادگاه یا محکمه کیفری بین‌المللی دارای صلاحیت قضایی در مورد این جرایم وجود ندارد. جرایم تروریستی به طوری که در اسناد جهانی ضد تروریسم تعریف شده‌اند در طبقه حقوق کیفری ملی قرار می‌گیرند که از اهمیتی بین‌المللی برخوردارند. از این رو، وظیفه احضار مرتکبان تروریسم به محضر عدالت صرفاً به دوش دستگاه عدالت کیفری ملی است. بدون ظرفیت داخلی کافی برای انجام این وظیفه یقیناً تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم شکست می‌خورند. لذا واکنش عدالت کیفری به تروریسم لزوماً بر اساس قانون ملی شکل می‌گیرد که خود آن هم باید از جنبه‌های مختلف حقوق بین‌الملل پیروی کند.

حقوق بین‌الملل مولفه‌های متعددی دارد که به طور مستقیم با واکنش عدالت کیفری به تروریسم مرتبط هستند. دولتها علاوه بر تعهدات معاهداتی ناشی از پذیرش اسناد حقوقی جهانی ضد تروریسم و چندین تعهد الزام‌آور حقوقی ناشی از قطعنامه‌های ضد تروریسم شورای امنیت به موجب سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل دارای چند تعهد حقوقی دیگر نیز هستند از قبیل حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بشردوستانه، حقوق پناهندگی و عرفی. این نظام‌های حقوقی مکمل قانون بوده و یک هدف مشترک دارند یعنی حفظ جان، سلامت و کرامت انسان‌ها. در حالی که حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تنها در زمان درگیری مسلحانه کاربرد دارد، قواعد حقوق بشر در همه حال کاربرد دارند: در زمان صلح و در زمان جنگ و درگیری مسلحانه. کاربرد همزمان این دو بخش از حقوق به طور اکید توسط محاکم بین‌المللی و ملی مختلف به رسمیت شناخته شده است. (نمایان، ۱۳۹۰؛ ۳۲).

گرچه تروریستها همگام با روند جهانی شدن، پیشرفت کرده‌اند، اما در قید و بندهای بین‌المللی ناشی از آن گرفتار نگشته‌اند. از آن جا که تروریستها به عاملانی بین‌المللی مبدل شده‌اند، هیچ منطقه، دولت، ملت یا شخصی، از اقدامات آنها مصون نمی‌ماند. تروریستها از خارج آموزش دیده، فرمان داده شده، سلاح دریافت می‌کنند و پس از ارتکاب عمل مجرمانه، به آن جا پناه می‌برند. آنها در گریختن از منفذهای موجود در سیستم

همکاری بین‌المللی (جهت تعقیب آنها) متبحر شده‌اند. فعالیت تروریستی، از آن جهت افزایش یافته که تروریستها با موفقیت، خود را با روند جهانی شدن وفق داده‌اند، در حالی که تلاشها و مساعی ضد تروریسم به صورتی بخشی و ملی باقی مانده است (پطروس، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

کنوانسیون ممانعت و مجازات تروریسم ۱۹۳۷ (کنوانسیون ژنو ۱۹۳۷) را می‌توان اولین کنوانسیون بین‌المللی در خصوص تروریسم دانست. از آن زمان تا کنون نه تنها مفهوم تروریسم دستخوش تغییرات فراوان قرار گرفته، بلکه مکانیسم‌های بین‌المللی نیز به همین ترتیب بنیان‌های مستقل و در عین حال فراگیرتری از حوزه‌ها و موضوعات را در بر گرفته است. اگر در سال ۱۹۳۷ تروریسم بیشتر یک پدیده درونی محسوب می‌شد، امروز کمتر می‌توان تروریسم را بدون پسوند «بین‌المللی» آن بکار برد. به همین شکل معاهدات و مکانیسم‌های مربوط به این پدیده نیز بیشتر جنبه‌های چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به خود گرفته است. از جمله می‌توان به کنوانسیون اروپایی مقابله با تروریسم ۱۹۷۷ و پروتکل الحاقی آن در ۱۵ می ۲۰۰۳ اشاره نمود. البته برخی مکانیسم‌های دوجانبه نظیر موافقتنامه ۱۹۷۳ میان آمریکا و کوبا برای مقابله با کلیه اعمال تروریستی همچنان از کارآمدی برخوردار هستند. اما به هر شکل در نظام بین‌المللی معاصر مشخصه اصلی مکانیسم‌های مقابله با تروریسم، «بین‌المللی بودن» و «فراگیر بودن» آنان است. فراگیر بودن به این معنا است که اصل در پذیرش و تعهد نسبت به این مکانیسم‌ها، رضایت نیست، بلکه عرف بین‌المللی باعث می‌گردد تا دوری و نزدیکی کشورها به این مکانیسم‌ها به عنوان امری مشروعیت‌ساز و یا پرستیژآور محسوب شده و در تعیین جایگاه بین‌المللی کشورها مؤثر باشد (خیبری و دربندی، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

اگرچه کنوانسیون ژنو ۱۹۳۷ هیچگاه اجرایی نشد، اما نمی‌توان اهمیت آن را به عنوان اولین کنوانسیون چندجانبه ضد تروریستی نادیده گرفت. علاوه بر این، کنوانسیون مذکور همراه بود با معاهده بین‌المللی دیگری که اولین دادگاه کیفری بین‌المللی را برای مجازات تروریست‌ها پیش‌بینی کرده بود. کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو برای اولین بار مفهوم اقدامات تروریستی را به این شکل بیان کرده بود: «اقدامات کیفری علیه یک دولت با هدف ایجاد وحشت در اشخاص و گروه‌های خاص و یا در سطح جامعه». (ماده اول، پاراگراف اول، ۱۹۷۲، UN).

از آنجائیکه امروزه چیزی در حدود ۲۰ کنوانسیون منطقه‌ای و جهانی در رابطه با مبارزه با تروریسم بین‌المللی داریم، می‌توان این مفهوم را از ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال تعاریف آنان از جرم، دامنه جرم، استثنائات، تحفظات، ابزارهای استقاده شده توسط دولت‌های عضو، تعهدات، رویه‌های قضایی داخلی، تعهدات و وظایف دولت‌های عضو در همکاری، حقوق مجرم، استرداد مجرمین، و استثنائات وارده بر استرداد و همکاری قضایی. بررسی این موارد می‌تواند مشخص کند که کدام سازوکار در مبارزه با تروریسم بین‌المللی از دیگران مؤثرتر است. مسئله مهم دیگر در این خصوص، ارتباط دوطرفه میان کنوانسیون‌های جامع و بخشی و حالت موازی آنان است.

از آنجا که تروریسم یکی از خطرات عمده ای است که امروزه امنیت جهانی را به شدت تهدید می‌کند. به همین خاطر ضروریست تمام امکانات جامعه بین‌المللی جهت مقابله و سرکوب آن بسیج شود با این حال در

زمینه بین‌المللی اقدامات متنوعی به عنوان اقدام‌های عملی به منظور مقابله با تروریسم صورت گرفته است که می‌توان آنها را در سه دسته کلی صدور قطعنامه، تحریم و حمله نظامی جای داد.

۲-۳-۱ مبارزه با اکوتوروریسم در راستای حفاظت محیط زیست

برای مبارزه با اکوتوروریسم می‌توان از دو شیوه استفاده کرد، یا اینکه حمایت از محیط زیست به گونه‌ای پیش‌رو که نیازی کمتری به اقدامات افراطی باشد، یا اینکه به جرم‌انگاری حقوقی آن دست زد. که می‌توان به هر دو شیوه متوسل شد. رشد و گسترش بی‌رویه و یک‌سویه اقتصادی که اثرات ناشی از آن سبب تخریب وسیع محیط زیست در سطح داخلی کشورها و حتی در وسعت جهانی گردید، منتهی به پیدایش و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در دهه ۱۹۷۰ و بعد از آن گردید. بر همین اساس، متخصصان محیط زیست و فشار افکار عمومی بین‌المللی، دولت‌ها را وادار کردند که نسبت به حفاظت محیط زیست جهانی با مسئولیت بیشتری رفتار نمایند.

با نگاهی به نحوه شکل‌گیری و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در بیش از چهار دهه اخیر روشن است که توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های زیست‌محیطی بشر بوده است. در پاسخ به این نیازها و ضرورت‌ها، حقوق بین‌الملل محیط زیست تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و وضع مقررات بین‌المللی، دولت‌ها را پایبند به حفاظت از محیط زیست نماید. در حوزه حقوق داخلی نیز کشورهایی چون آمریکا در برخی از ایالات خود به جرم‌انگاری اکوتوروریسم مبادرت ورزیده است. بخش کشاورزی آمریکا نیز که بخش مهمی از اقتصاد این کشور است نیز واجد حراست خاصی شد و تروریسم کشاورزی نیز در این کشور شناخته شد. زیرا تنها زدن به برج‌های دوقلوی تجارت آمریکا تروریسم نبوده بلکه کشاورزی این کشور نیز دارای همان خاصیت است.

برای مقابله با این، قانونگذاران به طور فزاینده‌ای بر قوانین ویژه‌ای که به اصطلاح «اکوتوریست» هدف قرار می‌گیرند، متمرکز می‌شوند. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۶، پنسیلوانیا فقط چنین مقررات زیست‌محیطی را تصویب کرد. این قانون اعمالی را علیه اموال با هدف تهدید، محکوم کردن، جلوگیری و یا مانع از افراد درگیر در فعالیت‌های گیاهی و یا منابع طبیعی باشد. این قانون اعمالی که علیه اموال با هدف تهدید، محکوم کردن، جلوگیری و یا مانع از افراد درگیر در فعالیت‌های گیاهی و یا منابع طبیعی باشد را جرم‌انگاری کرده است. البته می‌توان از طرق دیگر نیز به جلوگیری از اقدامات اکوتوریستی مبادرت ورزید، اینکه آنها را جذب گروه‌های دیگر محیط زیست گرا کرد، تا از آن طریق اقدامات خود را به طور قانونی پیگیری کنند، زیرا از حیث هدف تفاوتی بین محیط زیست گرایان معمولی با افراط‌گرایان نیست، بلکه تنها وسیله رسیدن به هدف در اکوتوریست‌ها خشونت و تخریب است. یعنی هدف اصلی مقررات اکوتوریسم حفاظت از محیط زیست است. آنچه که اکوتوریسم را از محیط زیست‌گرایی عادی متمایز می‌کند، اعتقاد به انجام هر آنچه که لازم است برای از بین بردن فعالیت یا پروژه‌ای که از نظر آنها، زیان‌آور یا تهدیدی برای محیط زیست باشد.

یکی دیگر از راه کارها آن است که از طریق مقوله میراث مشترک بشریت به حمایت از طبیعت و مقابله با اکوتروریسم پرداخت. میراث مشترک بشریت یکی از شگفت‌انگیزترین پیشرفت‌های فکری بشری در زمینه حقوق بین‌الملل و از مهمترین مفاهیم حقوقی در دهه‌های اخیر است. از اواسط دهه ۱۹۶۰ جامعه بین‌المللی به اهمیت و توان بالقوه عظیم اقیانوس‌ها و فضای ماورای جو پی برد. در آن زمان جامعه بین‌المللی دریافت که تفاوت تکنولوژیکی عمیق میان کشورهای صنعتی و غیرصنعتی، می‌تواند نابرابری‌های میان کشورهای غنی و فقیر را بیشتر تشدید نماید. وقتی این نگرانی‌ها به مجمع عمومی سازمان ملل وارد شد، آروید پارادو نماینده مالت در سازمان ملل طی یادداشت شفاهی در ۱۷ اوت ۱۹۶۷ درخواست کرد که موضوع در دستور کار اجلاس بیست و دوم مجمع عمومی قرار گیرد.

اصل میراث مشترک بشریت بدین معناست که در ورای فرد، گروه اجتماعی «یا دولت باید منافع مالی برتر مجموعه بشریت حفظ گردد و از نعمات جهان و کلیه محسنات زندگی، در چارچوب روح همبستگی که فراتر از مرزهاست، بهره‌مند گردند». (بجاوی، ۱۳۷۶؛ ۲۳). دکتر وارتوسا رئیس هیئت نمایندگی یوگسلاوی سابق در همایش سوم حقوق دریاهای میراث مشترک بشریت را در سه عامل: دارایی مشترک، مدیریت و اداره مشترک و توزیع متساوی و عادلانه منافع تعریف نمود (ملک محمدی، ۱۳۷۰، ۴۶).

در اول نوامبر ۱۹۶۷، پارادو، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که زیربستر دریا و کف اقیانوس‌ها و منابع آن میراث مشترک بشریت اعلام شود. در ۱۷ دسامبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه «اصول حاکم بر بستر دریاهای و کف اقیانوس‌ها و زیربستر آن‌ها، خارج از حوزه صلاحیت ملی» را تصویب کرد. اعلامیه اعلان می‌دارد که بستر دریا و کف اقیانوس و زیربستر آن‌ها، میراث مشترک بشریت است. پیشنهاد پارادو سرآغاز مذاکراتی در زمینه کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق دریاهای بود که در ۱۹۸۲ با تنظیم یک نظام حقوقی بر بستر دریاهای و اقیانوس‌ها منعقد شد. ماده ۱۳۶ این کنوانسیون اعماق دریا و اقیانوس، خارج از محدوده صلاحیت ملی و منابع آن را میراث مشترک بشریت اعلام کرد (جمالی، ۱۳۸۹؛ ۵۶).

این کنوانسیون از حیث قانونی در پی آن هستند که میراث طبیعی بشر حفظ گردد، به گونه‌ای که هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به حقوق فردی مفروض خود، مدعی بهره‌برداری انحصاری و بدون نظارت از فضا یا منابع بستر دریاهای در ماورای قلمرو صلاحیت ملی، یا میراث فرهنگی زیر آب یا اطلاعات ژنتیکی شده یا به حریم تنوع فرهنگی تعرض نماید. اگر این کنوانسیون‌ها دارای ضمانت اجرا باشند، تعرض و دست‌اندازی به منابع طبیعی دشوار می‌شود، و از این حیث می‌توان از شدت عمل محیط زیست‌گرایان افراطی کاست.

۳. نتیجه

تروریسم زیست محیطی، زیست بوم بشری را نشانه رفته است که در پی نابودی محیط زیست، آثار زیانباری بر حیات انسانی خواهد داشت و از آنجایی که تروریسم زیست محیطی در صدد تخریب و از بین بردن سلامتی محیط زیست می‌باشد و حقوق بشر به حق داشتن محیط زیست سالم و اکوسیستمی کارا توجه ویژه دارد، می‌توان بر این باور بود که تروریسم زیست محیطی در هرکجای جهان که ارتکاب یابد از عوامل نقض جدی

حقوق بشر خواهد بود. لذا توجه ویژه به حقوق بشر و استفاده از ظرفیت های حمایتی آن همراه با شناسایی و تاکید حق بر محیط زیست سالم در قوانین داخلی و اسناد بین المللی می توان زمینه مناسبی برای مقابله با این نوع تروریسم فراهم نمود. لذا باید در قوانین و مقررات و اسناد بین المللی تاکید کرد که تهدید علیه هر کدام از حقوق اساسی بشر (حق بر محیط زیست) به مثابه جنایت علیه بشریت خواهد بود و ضمانت اجرای حقوقی و کیفری در سطح ملی و بین المللی به دنبال خواهد داشت. نتیجه گیری بسیار تقویت گردید. این که تخریب علیه اموال کاملاً جرم محسوب می شود بحثی در آن نیست، لیکن چنانچه این تخریب با هدف حمایت از محیط زیست باشد، جرم انگاری این اقدامات تحت عنوان اکوتروریسم فراهم شده است که البته با توجه به فاصله محتوایی این اقدامات از تروریسم سنتی که مبتنی بر کشتار و هراس اشخاص است، این اقدامات علیه اموال چنانچه با هدف هراس اشخاص باشد قابلیت جرم انگاری تحت عنوان اکوتروریسم را دارد، چرا که از طرفی، صراحتاً با حقوق اشخاص در داشتن محیط زیستی سالم و پایدار مخالف است و قوانین و مقررات داخلی و بین المللی را در راستای حمایت از حقوق محیط زیست به عنوان نسل سوم حقوق بشر نقض می نماید و از سوی دیگر اقدام مذکور با هدف تخریب محیط زیست و ایجاد ترس و وحشت انجام می گیرد. تعهدات حقوق بشر بخشی جدایی ناپذیر از چارچوب حقوقی بین المللی مبارزه با تروریسم را تشکیل می دهد، هم از طریق تعهد دولت ها به جلوگیری از حملات تروریستی، که دارای پتانسیل تأثیرگذاری شدید و در نتیجه تضعیف حقوق بشر است، و هم از طریق تعهد به اطمینان از اینکه هر فعالیت های ضد تروریسم به حقوق بشر احترام می گذارد.

منابع

- ۱) امیر ارجمند، اردشیر، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴.
- ۲) افتخار جهرمی، گودرز، «حق بر محیط زیست با تاکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی»، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، ۱۳۸۲.
- ۳) پطروس غالی پطروس، سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم بین المللی، مترجم: زمانی، سید قاسم، الهیات و حقوق - شماره ۲. « زمستان ۱۳۸۰.
- ۴) جمالی، حمیدرضا، تنوع فرهنگی: میراث مشترک بشریت، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۷۸.
- ۵) حبیب نژاد، سید احمد و دانش ناری، زهرا، «دموکراسی زیست محیطی در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر با تاکید بر مفهوم حقوق بشر محیط زیست، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۴، شماره ۹۴، ۱۴۰۰.
- ۶) دلماس مارتی، می ری، «جهانی شدن حقوق: فرصت ها و خطرات»، ترجمه امیر ارجمند، اردشیر، مجله حقوقی، شماره ۲۴، ۱۳۷۸.

- (۷) ساعی، احمد، معصومی، مجید، تاثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- (۸) شاو، ملک، حقوق بین الملل، ترجمه وقار، محمد حسین، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲. فیروزی، مهدی، «حق بر محیط زیست»، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- (۹) قربان نیا، ناصر، مواجهه با تروریسم: رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی، نامه مفید، سال دهم، شماره ۴۳، ۱۳۷۳.
- (۱۰) قاری سید فاطمی، سید محمد، «ماهیت متفاوت معاهدات حق ق بشری»، مجله حقوقی، شماره ۲۸، ۱۳۹۲.
- (۱۱) مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۹۲.
- (۱۲) محمدی، حمیدرضا، «قاره جنوبگان در حقوق بین الملل و جامعه جهانی»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰.
- (۱۳) مسائلی، محمود، «نسل جدید حقوق بشر»، مجله سیاست خارجی، سال ششم، شماره ۱، ۱۳۷۱.
- (۱۴) نیکخواه، رضا، «تحول جدید در مفهوم بین المللی حقوق بشر با تاکید بر حق توسعه، پایان نامه ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۶.
- (۱۵) نامیان، پیمان، طیبی، سبحان، دفاع مشروع از منظر حقوق بین الملل معاصر با تاکید بر مخاصمات مسلحانه عراق علیه ایران، فصلنامه حقوقی پیام قانون (معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح)، شماره های ۲۷-۲۸، ۱۳۸۵.
- (۱۶) Arnold, ron, eco-terrorism, reason, feb. ۱۹۸۳, at ۳۱; ctr. For the def. Of free enter., ron arnold biography, <http://www.cdfc.org/staff.htm> (last visited apr. ۱۳, ۲۰۰۸).
- (۱۷) Liddick, Donald R. Eco-Terrorism: Radical environmentalist and Animal Liberation Movements. Westport, CT: Praeger. ۲۰۰۶
- (۱۸) long, douglas, library in a book ecoterrorism, publication data, ۲۰۰۴..
- (۱۹) Robert and heyer D. introduction to NBC terrorism, Hazardous Materials Specialist, red bank, new gersy(www. Disaster.org), ۲۰۰۱.
- (۲۰) Steinhofe, Uwe, On the Ethic of War and Terrorism, New York: Oxford university press, ۲۰۰۷
- (۲۱) Schwartz, Daniel M. "Environmental terrorism: analyzing the concept." *Journal of Peace Research* ۳۵, ۴ (۱۹۹۸): ۴۸۳-۴۹۶.
- (۲۲) Stark R. cyber terrorism rethinking new technology, Department of Defenseand-Strategic studies, ۱۹۹۹
- (۲۳) Vanderheiden, steve, eco-terrorism or justified resistance? Radical environmentalism and the "war on terror", politics & society, vol. ۳۳ no. ۳, september ۲۰۰۰.